

فقدان تناسب در ابعاد پایگاه اجتماعی و پیامدهای روانی و اجتماعی آن

مسعود چلبی

دانشیار دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه شهید بهشتی

منصوره اعظم آزاده

دکتری جامعه‌شناسی

چکیده

مطالعات جامعه‌شناختی در زمینه قشربندی اجتماعی کمتر به پدیده ناسازگاری پایگاهی (فقدان تناسب در ابعاد پایگاه اجتماعی) و تبعات روانی - اجتماعی آن توجه کرده است. پژوهشگرانی که این پدیده را مورد توجه قرار داده‌اند، اغلب، بین ناسازگاری پایگاهی و پیامدهای روانی - اجتماعی آن، رابطه‌ی خطی را در نظر داشته‌اند. در این مقاله رابطه‌ی بین دو متغیر مزبور را سهمی درجه‌ دو می‌پنداریم و برای قسمتهای مختلف دامنه ناسازگاری پایگاهی آثار روانی - اجتماعی گوناگون را قائل می‌شویم. روش این تحقیق به شیوه پیمایش اجتماعی است که با حجمی برابر ۷۰۵ نمونه برای خانواده‌های ساکن در شهر تهران صورت گرفته است. یافته‌های این مطالعه فرضیه غیرخطی بودن (سهمی درجه دو) دو متغیر مذکور را تأیید می‌کند.

واژگان کلیدی: موضع اجتماعی، منزلت اجتماعی، پایگاه اجتماعی، ناسازگاری پایگاهی، جهت‌گیری اجتماعی.

مقدمه

فقدان تناسب در ابعاد پایگاه و یا ناسازگاری پایگاهی^۱ از مفاهیمی در حوزه قشربندی اجتماعی است که با فرآیند فردگرایی، دموکراسی، تفکیک و تمایز و تحرک اجتماعی در جوامع جدید مطرح و به تعبیر بسیاری اندیشمندان و به یاری بسیاری از تحقیقات، عمومیت آن در جوامع معاصر تأیید شده است (اسلومژینسکی^۲ ۱۹۸۹، صص ۱۵۱-۱۵۰؛ تاملین ۱۳۷۳، صص ۷۹-۷۵؛ چلبی ۱۳۷۵، صص ۲۱۶-۲۱۴).

این مفهوم را عمدتاً صاحبان نظریه‌هایی که به بنیانهای چندگانه نابرابری اجتماعی و الگوهای چند بعدی و سلسله مراتبی قشربندی معتقدند، به جامعه‌شناسی نسبت داده‌اند که نشان دهنده رتبه‌های نابرابر و گاه متناقض در ابعاد سلسله مراتب پذیرفته شده جامعه و یا مقیاسهای گوناگون موقعیت اجتماعی است (شرام^۳ ۱۹۹۰، صص ۴۹۹-۴۹۶؛ برگر^۴ و دیگران ۱۹۹۲، ص ۸۵).

در سنت مطالعات ناسازگاری پایگاهی، این ابعاد با میزان سرمایه مادی، منزلت شغلی و تحصیلات افراد اندازه‌گیری می‌شود، اما در نظریه‌های جدید علاوه بر ارزشهای مادی و منزلتی، بر سرمایه‌های فرهنگی و قدرت سازمانی، که ابعادی مهم در تشکیل موقعیت اجتماعی به شمار می‌آیند، تأکید شده و به همین جهت از آنها نیز در کنار سایر ابعاد پایگاه در تعیین موقعیت افراد در جامعه استفاده می‌شود (بوردیو^۵ ۱۹۹۴، صص ۹۶-۸۵؛ کلمن ۱۳۷۷، ص ۴۶۴ چلبی ۱۳۷۵، ص ۱۷۰).

محققان معتقدند که در صورت بروز ناسازگاری پایگاهی، افراد و گروهها، دچار تنشها و فشارهایی می‌شوند که در برابر آنها به صور گوناگون نگرشی و رفتاری، عکس‌العمل نشان می‌دهند که در بررسیهای گوناگون نیز به آن اشاره شده است (براون^۶ و دیگران ۱۹۸۸، ص ۲۱۵). عدم تطبیق ابعاد مختلف پایگاه و از جمله ثروت، قدرت، منزلت و دانش، که به دنبال رشد و گسترش عواملی چون شهرنشینی، تحصیلات و غیره فراهم می‌آید، انتظارات، توقعات و مطالباتی را به وجود می‌آورد که اجابت آن از عهده بسیاری از جوامع خارج است. اما از طرف

1. Status Inconsistency

2. Słomczyński

3. Shrum

4. Berger

5. Bourdieu

6. Brown

دیگر انکار این مطالبات نیز عواقب سوئی را برای افراد و جوامع به دنبال دارد. این ناهماهنگی می‌تواند برای گروهی منشأ روحیات منفی روانی نظیر افسردگی، اضطراب و یأس باشد و برای گروهی امیدواری و نشاط روحی و روانی به بار آورد. می‌تواند عده‌ای را محافظه‌کار، اقتدارگرا، مخالف با تغییرات و نوگرایی و عده‌ای را دارای گرایشهای منعطف، مثبت و نوگرا نماید. می‌تواند افراد کارآمد و شایسته‌ای را منفعل و بی‌انگیزه و گروههای بدون تخصص و صلاحیتی را صاحب قدرت و بر امور و سرنوشت افراد جامعه حاکم سازد. می‌تواند نابرابریهای اجتماعی را کاهش دهد و از ایجاد شکاف عمیق و درگیری و کشمکش بین طبقات و گروهها جلوگیری کند و در مقابل مسؤلیت‌پذیری و اعتماد متقابل را جایگزین آن نماید و بالاخره می‌تواند با ایجاد ارتباط صحیح بین حوزه‌های چهارگانه منابع ارزشمند اجتماعی یعنی ثروت، قدرت و منزلت و معرفت زمینه ساز پیشرفت و توسعه اجتماعی گردد.

خلاصه اینکه، فاصله گرفتن نامناسب ابعاد پایگاه اجتماعی و یا امتیازات مادی، منزلت، قدرت و دانش، در عین سودمندی می‌تواند منشأ بسیاری از عواقب سوء اجتماعی باشد. به همین جهت می‌بایست که میزانهای گوناگون و اشکال متعدد و پیامدهای ویژه هر کدام به طور جداگانه و به دقت مورد مطالعه و بررسی قرار گیرد.

اما تقریباً در تمام تحقیقات پیشین رابطه بین ناسازگاری پایگاهی و متغیرهای وابسته خطی فرض و تأثیر آن بدون توجه به میزانها و مقادیر مختلف آن بررسی شده است. در این مقاله با توجه به عمومیت و اهمیت ناسازگاری پایگاهی در جوامع معاصر و دامنه وسیع پیامدهای آن درصدد پاسخگویی به این سؤلهای اساسی برمی‌آییم که:

- آیا در جمعیت مورد مطالعه بین ابعاد گوناگون پایگاه اجتماعی (درآمد، منزلت شغلی، تحصیلات و قدرت) همبستگی لازم دیده می‌شود و یا اینکه ناسازگاری پایگاهی رواج دارد؟

- در صورت وجود ناسازگاری پایگاهی، میزان و شدت آن چگونه است.

- و در نهایت رابطه بین میزانهای مختلف آن با متغیرهای وابسته خطی و یا غیر آن وجود دارد به عبارت دیگر آیا میزانهای مختلف آن می‌تواند نتایج گوناگونی به همراه داشته باشد؟

مروری بر پژوهشهای انجام شده

چون تاکنون در داخل کشور، تحقیقی درباره موضوع مورد بحث انجام نگرفته است، لذا در اینجا تنها به چند نمونه از پژوهشهای انجام شده در خارج از کشور بسنده می‌شود.

نظریه ناسازگاری پایگاهی را نخستین بار لسنکی در سال ۱۹۴۵ در مقاله "تبلور پایگاه: محور غیرعمودی پایگاه اجتماعی" مطرح کرد. گرچه نخستین نشانه‌های آن را باید در نظریه وبر و در بنیانهای چندگانه نابرابری اجتماعی و تطابق و یا عدم تطابق آنها جستجو کرد (برگر^۲ و دیگران ۱۹۹۲، ص ۸۵۰). لسنکی در مقاله خود به این نتیجه می‌رسد که افرادی که دارای سازگاری پایگاهی کم و یا ناسازگاری پایگاهی زیاد می‌باشند، نسبت به صاحبان موقعیت دارای ناسازگاری پایگاهی کم، با فرض کنترل تفاوتها در ابعاد عمودی پایگاه، دارای مشارکت سیاسی بیشتر و رفتار و نگرش سیاسی لیبرال می‌باشند (هاپ^۳ ۱۹۷۵، صص ۳۲۲-۳۲۳؛ باکارا^۴ ۱۹۹۲، ص ۲۷).

در سال ۱۹۶۷ راش^۵ همین ارتباط را بین ناسازگاری پایگاهی و نگرش سیاسی بازیافت. گافمن^۶ در سال ۱۹۵۷ به این نتیجه رسید که بین ناسازگاری پایگاهی و تمایل به تغییر در توزیع قدرت رابطه وجود دارد. تریمن^۷ در سال ۱۹۶۶ پی برد که بین این مفهوم و پیشداوری با کنترل پایگاه اجتماعی افراد هیچ ارتباطی وجود ندارد. از طرف دیگر گشوندرا^۸ در همین سالها بین ناسازگاری و بعضی از نگرشها و پیشداوریها به نتایجی دست یافت (براون^۹ و دیگران ۱۹۸۸، ص ۲۱۷).

در دهه ۶۰ در مورد ابعادی از پایگاه مثل نژاد، مذهب، وضعیت تأهل با فشارهای روانی مطالعاتی انجام شد و افرادی مانند هورنانگ^{۱۰} ناسازگاری پایگاهی را با توجه به متغیرهای میانجی مثل تعارض در انتظارات و بلاتکلیفی بررسی کردند (باکارا ۱۹۹۲، ص ۲۷). از این بررسی چنین برمی‌آید که با استفاده از مدل‌های گوناگون تحلیل رگرسیون و کنترل پایگاه

1. Status Crystallization: A Nonvertical of Social Status
2. Berger
3. Hope
4. Bacharach
5. Rush
6. Goffman
7. Treiman
8. Geschwender
9. Brown
10. Hornung

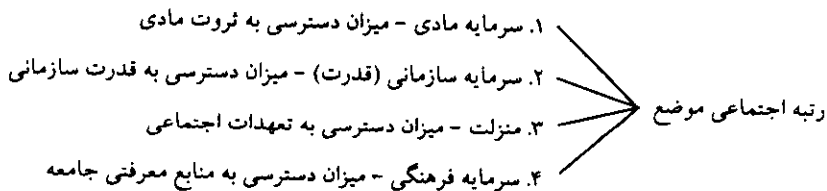
اجتماعی، ناسازگاری پایگاهی مبین بسیاری از فشارهای روانی است (هورنانگ ۱۹۷۷، صص ۶۳۸-۶۲۳).

بدین ترتیب در مطالعات آغازین این پدیده، بیشتر بر نتایج نامطلوب روانی آن تأکید می‌شود (هاوس ۱۹۷۷، صص ۳۹۶-۳۹۵). در تحقیقات بعدی آثار مثبت اجتماعی آن نیز مورد توجه قرار می‌گیرد. اسلوموژینسکی به کاهش نابرابریهای اجتماعی و افزایش گرایشها و روحیات منعطف و مداراگرایانه در وضعیت ناسازگاری پایگاهی اشاره می‌کند (اسلوموژینسکی ۱۹۸۹، صص ۱۵۵-۱۴۹). کراگر^۱ افزایش مشاغل جدید، کارکنان مستقل و نوگرایی و نوآوری مدیران کارآفرین را با آن تبیین می‌نماید (کراگر ۱۹۸۹، صص ۹-۱) و د-گراف^۲ مصرف بالای کالاهای فرهنگی در مقابل مصرف کمتر کالاهای مادی را به افراد کم پاداش گیرنده،^۳ یعنی افراد با تحصیلات بالا و درآمد پایین، نسبت می‌دهد (د-گراف ۱۹۹۱، صص ۲۹۰-۲۶۷).

چارچوب نظری تحقیق

در این بررسی با تأمل بر نظریه‌ها و بررسیهای تجربی معاصر، از نظریه قشربندی چلبی، به علت سنخیت با موضوع و دربرداشتن ابعاد لازم برای این بررسی، به عنوان چارچوب نظری استفاده شد. این نظریه نظام قشربندی را شبکه نسبتاً منظم مواضع اجتماعی می‌داند که دارای چهار بعد محوری و از جمله رتبه اجتماعی است.

رتبه اجتماعی میزان دسترسی به منابع ارزشمند جامعه یعنی ثروت مادی، دارایی سازمانی و یا قدرت، پرستیژ اجتماعی و بالاخره دارایی فرهنگی و یا میزان دسترسی به منابع معرفتی، اطلاعاتی و شناختی جامعه می‌باشد (چلبی ۱۳۷۵، ص ۱۷۰).



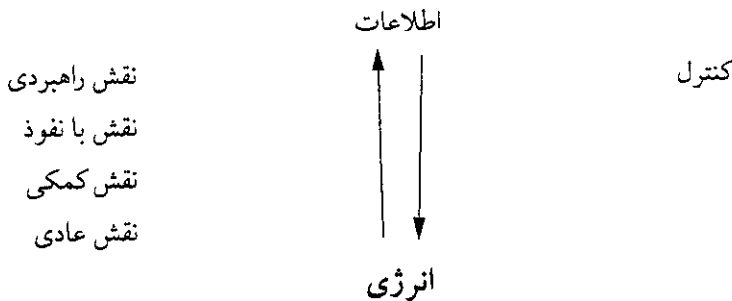
شکل ۱. ابعاد گوناگون پایگاه اجتماعی

1. Krueger

2. De-Graaf

3. Under-rewarded

نقش اجتماعی بعد دیگر شبکه مواضع اجتماعی است که خود به انواع فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی قابل تقسیم می‌باشد. به لحاظ کسب اطلاعات و مصرف انرژی نقش‌های چهارگانه را می‌توان به چهار جزء، راهبردی، با نفوذ، کمکی و عادی تفکیک نمود. نقش راهبردی در هر یک از حوزه‌های چهارگانه فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی بیشترین مصرف کننده اطلاعات است که به همین دلیل بر سایر نقش‌ها دارای نظارت و کنترل است و بر امر تنسيق نمادی، جهت‌دهی ذهنی و تعیین اهداف دقت دارد. نقش با نفوذ بعد از نقش راهبردی کار هماهنگی و عملیاتی کردن اهداف و برانگیختن تعهدات را انجام می‌دهد، نقش کمکی نظارت بیرونی بر اجراء و تحقق امور و اهداف را بر عهده دارد و به وسیله نقش عادی که در سلسله مراتب نقش‌ها بیشترین مصرف کننده انرژی است، اجرای وظایف روزمره صورت می‌پذیرد (همان، صص ۱۷۱-۱۷۰).



شکل ۲. تفکیک عمودی نقش‌ها برگرفته از (چلبی ۱۳۷۵، ص ۱۷۱)

بدین ترتیب و با تفکیک نقش‌های چهارگانه در حوزه‌های گوناگون اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی، شانزده نوع موضع اجتماعی حاصل می‌شود. فرض بر این است که در جوامع ابتدایی نقش و موضع اجتماعی ترکیبی بوده و مشمول تفکیک در حوزه‌های گوناگون نبوده‌اند، اما در طول تاریخ با تقسیم و تفکیک اجتماعی، نقش و موضع اجتماعی نیز دچار تفکیک و تمایز دقیقتری شده و به ازدیاد مواضع منفک انجامیده است (همان، ص ۱۷۲).

در حوزه اجتماعی، فعالیتها به قصد برانگیختن احساس در ابعاد مختلف مثل احساس

بهبودی، رضایت، دوستی و آرامش صورت می‌پذیرد.

در حوزه فرهنگی، فعالیتها بیشتر به منظور تولید و انتقال فکر و اندیشه صورت می‌پذیرد.
 در حوزه سیاسی فعالیتها به منظور تولید قدرت و بسیج آن صورت می‌پذیرد.
 در حوزه اقتصادی تولیدات مادی و توزیع آن صورت می‌پذیرد.

فرهنگی	اجتماعی	سیاسی	اقتصادی	تفکیک افقی تفکیک عمودی
راهبردی فرهنگی	راهبردی اجتماعی	راهبردی سیاسی	راهبردی اقتصادی	نقش راهبردی
با نفوذ فرهنگی	با نفوذ اجتماعی	با نفوذ سیاسی	با نفوذ اقتصادی	نقش با نفوذ
کمکی فرهنگی	کمکی اجتماعی	کمکی سیاسی	کمکی اقتصادی	نقش کمکی
عادی فرهنگی	عادی اجتماعی	عادی سیاسی	عادی اقتصادی	نقش عادی

شکل ۳. سنخ‌شناسی نقش‌ها برگرفته از (چلبی ۱۳۷۵، ص ۱۷۲)

به طور کلی در جوامع مختلف هرم قشربندی به ترتیب از لایه‌های نخبگان، با نفوذ، کمکی و عادی تشکیل می‌شود. خارج از لایه‌های نظام، قشر محرومان قرار می‌گیرد که در نظریه‌های معاصر از آن با نام خارج از طبقه^۱ بسیار بحث شده است. هر لایه خود شامل بخشهای مختلف اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و اجتماعی است که با توجه به تحول جوامع، هر از چندگاهی یکی از بخشها دارای اهمیت می‌گردد و در نتیجه بر فراز سایر بخشها قرار می‌گیرد.

از آنجایی که جوامع فعلاً در وضعیت سرمایه‌داری به سر می‌برند که در آن ارزشهای مادی، اقتصادی و سیاسی (قدرت) در اولویت هستند، منابع ارزشمند چهارگانه در وهله اول به مواضع راهبردی (گروه ممتاز جامعه) اقتصادی و سیاسی تعلق می‌گیرند. گرچه به نظر بسیاری در آینده به مرحله فرهنگی گام خواهیم نهاد که در آن شناخت، دانش و اطلاعات، ارزشهای اساسی را تشکیل می‌دهند (همان).

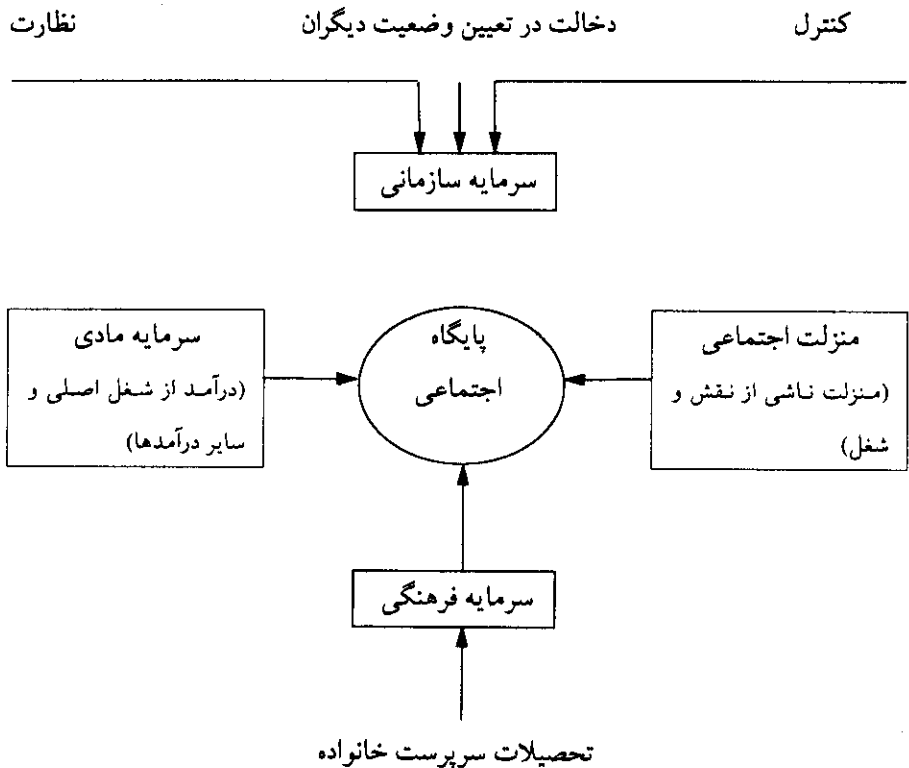
بر طبق این نظریه در شرایط پایداری نسبی، معمولاً این چهار نوع دارایی در مواضع گوناگون، با یکدیگر دارای همبستگی می‌باشند که میزان آن در زمانها و مکانهای مختلف متغیر است. میزان ضعیف این همبستگی سبب ناسازگاری پایگاهی و میزان شدید آن به تبلور و سازگاری پایگاهی و ساخت یابی طبقات منجر می‌گردد. اگر همبستگی بین انواع دارایی‌ها شدید باشد شرایط برای قطبی شدن و تضاد طبقاتی در جامعه آماده و لایه‌های میانی ناپدید می‌شوند. همچنین همبستگی شدید این منابع آثار ضد انگیزشی برای جامعه در بردارد، به گونه‌ای که



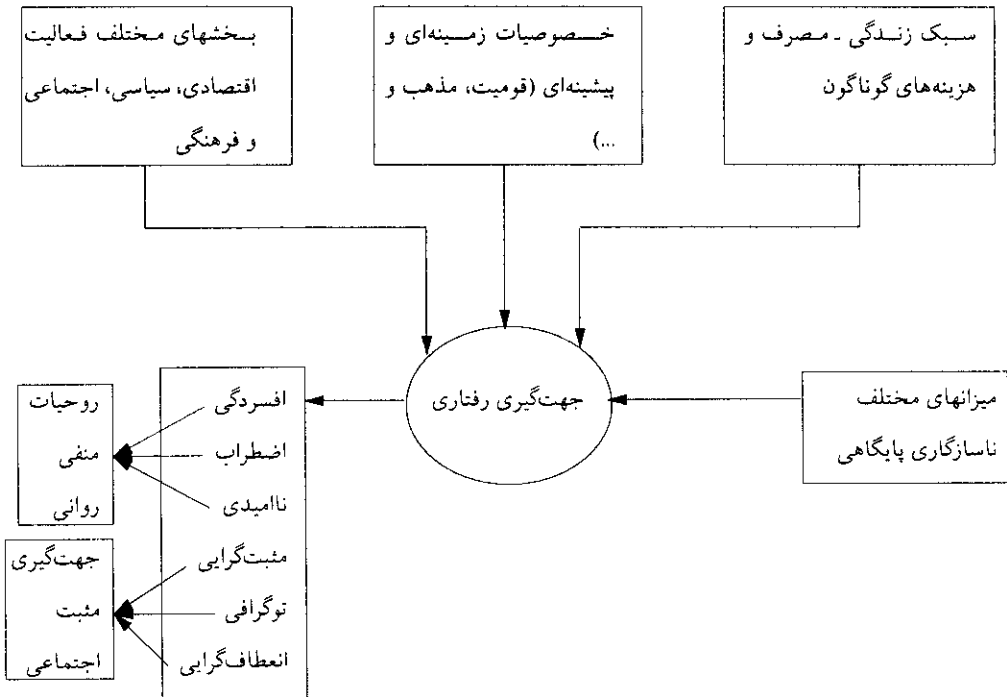
شکل ۴. وضعیت قشربندی و ترتیب قرار گرفتن مواضع در جوامع کنونی

اقلیت ممتاز با دسترسی آسان به منابع مختلف دچار سستی فکری می‌شود، وضعیت موجود را مطلوب می‌پندارد، و از هرگونه نوآوری و تحرک جلوگیری به عمل می‌آورد. در مقابل اکثریت محروم، امید به تلاش و کوشش را برای موقعیت بهتر از دست می‌دهند و به شرایط

موجود اعتنایی نمی‌کنند و این موضوع سبب فقدان رشد و توسعه اقتصادی می‌شود. در مقابل همبستگی متوسط بین عوامل چهارگانه، آثار اجتماعی و روانی مثبتی را به بار خواهد آورد که انعطاف فکری و سوگیری اجتماعی کمتر اقتدارگرایانه از آن جمله است. در همبستگی ضعیف، ارتباط بین حوزه‌های چهارگانه جامعه از بین می‌رود و خصلت کارکردی خود را از دست می‌دهد و تطابق کارکردی بین مواضع و حوزه‌های چهارگانه کاهش می‌یابد. این میزان همبستگی اضطراب، احساس محرومیت و ناکامی را برای اکثریت به همراه دارد و فقدان رضایت عمومی را موجب می‌شود (همان، ۲۱۶-۲۱۴). با بهره‌گیری از این نظریه می‌توان پایگاه اجتماعی، ناسازگاری پایگاهی و پیامدهای آن را با اشکال زیر نشان داد:



شکل ۵. ابعاد و متغیرهای تشکیل دهنده رتبه و پایگاه اجتماعی



شکل ۶. الگوی تأثیر ناسازگاری پایگاهی بر جهت‌گیری رفتاری

تعاریف مفهومی

موقعیت و یا موضع اجتماعی دارای ابعادی، از جمله رتبه و یا پایگاه اجتماعی است که میزان دسترسی به منابع ارزشمند چهارگانه و یا سرمایه‌های گوناگون مادی، منزلتی سازمانی و فرهنگی را نشان می‌دهد، و در واقع بعد عمودی قشر بندی اجتماعی است (چلبی ۱۳۷۵-۱۳۷۰).

سازگاری پایگاهی نشان دهنده تطابق، هماهنگی و همبستگی بین سرمایه‌های چهارگانه و ناسازگاری پایگاهی به معنای ایجاد شکاف و نابرابری و حتی تناقض در رتبه سرمایه‌های چهارگانه است. به نظر لنسکی ناسازگاری پایگاهی بعد افقی و یا غیر عمودی پایگاه را تشکیل می‌دهد.

در روان‌شناسی اجتماعی افسردگی نوعی بیماری روانی است که شخص درگیر را دچار

بهرانه‌های روانی مثل اضطراب و پریشانی، یأس و ناامیدی می‌سازد. در واقع اضطراب، ناامیدی

و افسردگی ابعاد عمده روحیات منفی روانی و عاملی عمده در ایجاد آسیبهای روانی است. (کوهن ۱۹۹۶، ص ۶۱۷).

انعطاف‌گرایی، نوگرایی و مثبت‌گرایی جنبه‌هایی از جهت‌گیری اجتماعی است که با استناد به آنها می‌توان طریقه به تصویر کشیدن و تفکر را در مورد جهان ارزیابی کرد. این ابعاد، حاکی از توانایی تفکر نسبی و استدلال منطقی در مقابل اقتدارگرایی، که نشان‌دهنده جهت‌گیری مستبدانه و جزمیت و عدم تحمل تحولات، نوآوریها و تمایزات است، می‌باشد. (اسلومژینسکی، همان، ص ۱۵۵).

از این دیدگاه، سرمایه مادی به ثروت مادی و منابع مالی قابل دسترس و درآمدهای موضع اطلاق می‌شود. سرمایه سازمانی به قدرت سازمانی پایگاه، بر حسب حق کنترل، نظارت و تصمیم‌گیری برای دیگران و به عبارتی رسیدن به خواسته‌های خود در شبکه روابط اجتماعی متکی است. منزلت، نشان دهنده تعهدات اجتماعی و میزان نفوذ در بین اذهان و مطلوبیت موضع پایگاهی خاص بر سایر پایگاههای اجتماعی است و سرمایه فرهنگی، حاکی از میزان دسترسی به منابع معرفتی جامعه و خصوصاً تحصیلات است.

فرضیه‌های تحقیق

- با توجه به سؤال اصلی تحقیق و نظریه مبنای آن، فرضیه‌های زیر مورد بررسی قرار گرفت.
- همبستگی شدید بین سرمایه‌های مادی، سازمانی، منزلتی و فرهنگی و یا میزان کم ناسازگاری پایگاهی به جهت‌گیریهای اجتماعی و روحیات روانی منفی می‌انجامد.
 - همبستگی ضعیف بین سرمایه‌های مادی، سازمانی، منزلتی و فرهنگی و یا میزان زیاد ناسازگاری پایگاهی به جهت‌گیریهای اجتماعی و روحیات روانی منفی می‌انجامد.
 - همبستگی متوسط بین سرمایه‌های مادی، سازمانی، منزلتی و فرهنگی و یا میزان متوسط ناسازگاری پایگاهی به جهت‌گیریهای اجتماعی و روحیات روانی مثبت می‌انجامد.

روش تحقیق

روش مورد استفاده در این پژوهش پیمایش^۱ و اطلاعات با پرسشنامه و مصاحبه فراهم آمده است.

جمعیت تحقیق شامل حدود ۱/۷۰۰/۰۰۰ خانواده واقع در مناطق ۲۰ گانه شهر تهران بود که از میان آنان از طریق نمونه گیری طبقه بندی و سپس خوشه‌ای و در نهایت تصادفی تعداد ۷۰۵ نمونه انتخاب گردید و در نیمه اول سال ۷۸ با سرپرست خانواده و در صورت غیبت وی با همسر و یا فرزند بزرگتر از هیجده سال خانواده مصاحبه ساختارمند به عمل آمد. تجزیه و تحلیل داده‌ها با استفاده از نرم‌افزار SPSS و با استفاده از الگوهای آماری گوناگون مثل تحلیل عامل تأییدی، برازش منحنی، و رگرسیون چند متغیره انجام پذیرفت.

متغیرهای مستقل

در این بررسی متغیرهای مستقل را سرمایه‌های مادی، سازمانی، منزلتی و فرهنگی تشکیل می‌دهند.

- سرمایه مادی حاصل معرف‌هایی چون درآمد اصلی سرپرست خانواده و سایر درآمدهای اوست.

- سرمایه سازمانی نشان دهنده قدرت کنترل و نظارت و دخالت افراد در سازمان کار است و با طیف لیکرت و ترکیب ۵ گویه چهار گزینه‌ای، با توجه به میزان دخالت و تصمیم‌گیری سرپرست خانواده در استخدام، اخراج، ترفیع و تنبیه افراد در محیط کار و میزان سهم وی از محل کار سنجیده شد.

- از آنجایی که تحصیل‌کردگان هر جامعه گروه عمده مصرف‌کننده فرهنگ سطح بالا^۲ هستند و منبع و سرمایه‌ای فرهنگی برای جامعه محسوب می‌گردند، به همین جهت سرمایه فرهنگی با تحصیلات سرپرست خانواده اندازه‌گیری شد.

- منزلت اجتماعی را عموماً نقش اجتماعی مواضع و موقعیتهای گوناگون تعیین می‌کنند.

از آنجا که در نظریه بنیای این تحقیق، رتبه‌بندی مواضع و موقعیتهای گوناگون و مصداقهای عینی مشاغل مستقر در آنها مشخص شده بود، از همین رتبه‌بندی در تعیین میزان منزلت شغلی سرپرست خانواده استفاده شد (چلبی همان، صص ۱۷۳-۱۷۰).

- پایگاه و یا قشر اجتماعی از ترکیب چهار سرمایه استاندارد شده بالا به دست آمد. از آنجایی که توزیع درآمد دارای چولگی به طرف راست بود از لگاریتم آن به جای مقادیر خام استفاده گردید.

- ناسازگاری پایگاهی با محاسبه واریانس و انحراف معیار سرمایه‌های گوناگون به دست آمد.

متغیرهای وابسته

برای سنجش روحیات روانی و جهت‌گیری اجتماعی از لیکرت استفاده شد. روحیات روانی شامل ۲۳ گویه و دارای ابعاد افسردگی، اضطراب و ناامیدی و جهت‌گیری اجتماعی شامل ۳۸ گویه با ابعاد مثبت‌گرایی، نوگرایی و انعطاف‌گرایی بود. گویه‌ها به صورت جمله‌های اظهاری با پنج گزینه، از کاملاً موافق تا کاملاً مخالف، به پاسخگو ارائه شد و مجموع نمره‌های آن در هر قسمت بیان‌کننده حالت روانی و یا جهت‌گیری اجتماعی وی تلقی گردید.

یافته‌ها

قشر و یا پایگاه اجتماعی

پایگاه اجتماعی از ترکیب ۴ سرمایه استاندارد شده درآمد، قدرت، منزلت و تحصیلات به دست آمد. چون متغیر همگی استاندارد شده بودند، مقادیر بین ۱+ تا ۱- نشان‌دهنده قشر متوسط، بیشتر از آن قشر بالا و کمتر از آن قشر پایین شدند.

جدول شماره ۱. توزیع نسبی پایگاه و یا قشر اجتماعی

قشر اجتماعی	فراوانی	درصد
پایین	۲۷۲	۳۸/۸
متوسط	۲۲۷	۳۲/۲
بالا	۲۰۵	۲۹/۱
جمع	۷۰۴	۱۰۰

$$\text{میانۀ} = ۰/۲ -$$

همان گونه که جدول بالا نشان می دهد ۷۱ درصد جمعیت را اقشار متوسط و پایین و تنها ۲۹ درصد آنها را قشر بالا تشکیل می دهد. میانۀ $۰/۲ -$ و حدوداً در نقطه وسط قشر متوسط قرار می گیرد. بدین ترتیب نسبت جمعیت اقشار گوناگون شکل هرمی را به خود می گیرد که اقشار پایین قاعده آن را تشکیل می دهند.

فقدان تناسب در ابعاد پایگاه اجتماعی

در این بررسی از واریانس و یا انحراف معیار سرمایه های گوناگون، به منظور ایجاد ناسازگاری پایگاهی، استفاده شد. مقادیر صفر تا ۵۰ درصد ناسازگاری کم، ۹۹ و ۵۱ درصد ناسازگاری متوسط و یک و بیشتر از آن ناسازگاری زیاد محسوب گردید.

جدول شماره ۲. توزیع نسبی ناسازگاری پایگاهی

ناسازگاری پایگاهی	دامنه تغییرات	فراوانی	درصد
کم	۰-۰/۵۰	۲۳۱	۳۲/۸
متوسط	۰/۹۹-۰/۵۱	۳۷۹	۵۳/۸
زیاد	۱+	۹۴	۱۳/۴
جمع		۷۰۲	۱۰۰

$$\text{میانۀ} = ۰/۶۲$$

با توجه به توزیع نسبی ناسازگاری پایگاهی مشخص می شود که حدوداً نیمی از جمعیت نمونه از ناسازگاری کم و یا زیاد بهره می برند و نیم دیگر از آنها دارای میزان ناسازگاری در حد متوسط می باشند و تقریباً نیمی از آنان بیش از $۰/۶۲$ (در محدوده ناسازگاری متوسط) و نیمی

کمتر از این مقدار ناسازگاری پایگاهی را تجربه می‌کنند. اما به هر حال اکثریت جمعیت نمونه دارای ناسازگاری پایگاهی در حد متوسط به بالا می‌باشند که خود نشان دهنده عمومیت ناسازگاری پایگاهی در بین خانواده‌های مورد بررسی می‌باشد.

متغیرهای وابسته

روحیات منفی روانی از ابعاد افسردگی، ناامیدی و اضطراب به وجود آمد. افسردگی از ۷ گویه ۵ قسمتی ایجاد گردید که نمره ۷ آن نشان دهنده کمترین مقدار افسردگی و نمره ۳۵ آن افسردگی زیاد را نشان می‌داد. اضطراب نیز از همین تعداد گویه تشکیل شد و ناامیدی مرکب از ۹ گویه ۵ قسمتی (از خیلی کم تا خیلی زیاد ۹ تا ۴۵) شد. مقدار آلفای کرونباخ برای افسردگی ۰/۸۸، برای اضطراب ۰/۹۱ و برای ناامیدی ۰/۸۶ بود، که نشان دهنده سازگاری درونی جنبه‌های مختلف روحیات روانی است.

شاخص جهت‌گیری مثبت اجتماعی نیز از جنبه‌های مثبت‌گرایی، نوگرایی و انعطاف‌گرایی مورد بررسی قرار گرفت. مثبت‌گرایی از ۱۲ گویه ۵ قسمتی (خیلی کم تا خیلی زیاد)، نوگرایی از ۱۰ گویه و انعطاف‌گرایی از ۱۶ گویه به وجود آمد. نمره ۱۲ مثبت‌گرایی نشان دهنده فقدان این گونه جهت‌گیری و نمره ۶۰ آن وجود آن را بیان می‌کرد. نمره ۱۰ نوگرایی ضدیت با این جهت‌گیری و نمره ۵۰ آن جهت‌گیری اجتماعی نوگرایانه را نشان می‌داد و نمره ۱۶ انعطاف‌گرایی روحیه اقتدارگرا و نمره ۸۰ آن روحیه منعطف و مدارگرایانه را بیان می‌کرد. مقدار آلفای کرونباخ مثبت‌گرایی ۰/۸۹، نوگرایی ۰/۸۹ و انعطاف‌گرایی ۰/۸۴ شد. جدولهای ۴ و ۵ توزیع روحیات روانی و جهت‌گیریهایی اجتماعی را در بین جمعیت نمونه نشان می‌دهد. تمامی شاخصها با توجه به برد تغییرات خود به سه دسته مساوی کم، متوسط و زیاد تقسیم شدند، درصدها و آمارها به خوبی توزیع این متغیرها را در جمعیت نمونه نشان می‌دهد.

جدول شماره ۳. توزیع فراوانی و فراوانی نسبی متغیرهای وابسته اولیه

متغیرها	افسردگی		اضطراب		ناامیدی		مثبت‌گرایی		نوگرایی		انعطاف‌گرایی	
	مصد	فراوانی	مصد	فراوانی	مصد	فراوانی	مصد	فراوانی	مصد	فراوانی	مصد	فراوانی
کم	۵۲/۰	۳۸۱	۲۰/۸	۲۹/۵	۳۲/۸	۲۵۲	۸	۱/۲	۱۳۲	۱۸/۹	۵۰	۷/۱
متوسط	۳۳/۸	۲۶۲	۳۲/۵	۳۲۲	۲۸/۵	۳۲۲	۲۰/۶	۲۹۲	۲۸/۳	۲۳۵	۶۱/۷	
زیاد	۱۲/۲	۶۲	۳۳	۷۳۲	۱۶/۷	۱۸۸	۲۹/۱	۶۹/۶	۱۸۹	۲۶/۸	۲۲۰	۴۱/۲
جمع	۱۰۰	۷۰۵	۱۰۰	۷۰۵	۱۰۰	۷۰۲	۷۵	۱۰۰	۷۰۵	۱۰۰	۷۰۵	۱۰۰
	میانگین ۱۶/۳۸		میانگین ۲۸/۱۹		میانگین ۲۲/۱۷		میانگین ۲۷/۳		میانگین ۲۳/۶		میانگین ۵۲/۸	
	ساده ۱۶		ساده ۲۱		ساده ۲۲		ساده ۲۸		ساده ۳۳		ساده ۵۲	

به تبعیت از کوهن و همکاران وی در بررسی ساختار اجتماعی و نظام شخصیتی (کوهن و دیگران ۱۹۹۷، ص ۶۱۷) سازه مرتبه دومی با ابعاد افسردگی، اضطراب، ناامیدی برای روحیات روانی و با ابعاد مثبت‌گرایی، نوگرایی و انعطاف‌گرایی برای گرایشهای اجتماعی ساخته شد. بدین منظور ابتدا از مجموع شاخصهای افسردگی، اضطراب و ناامیدی شاخص روحیات روانی به دست آمد. میزان سازگاری درونی * این شاخص $\alpha = 0/91$ شد. سپس از مجموع گویه‌های مثبت‌گرایی، نوگرایی و انعطاف‌گرایی شاخص جهت‌گیرهای اجتماعی با میزان روایی $\alpha = 0/85$ محاسبه گردید. در مرحله بعد به منظور اطمینان از صحت ابعاد الگوی ذکر شده، از الگوی تحلیل عامل تأییدی استفاده شد.

جدول شماره ۴. شاخص روحیات روانی (سازه مرتبه دوم)

سازه مرتبه اول	بار عاملی	مقدار ویژه	نسبت واریانس تعیین گروه
افسردگی	۰/۹۰	۲/۵۱	۸۳/۶
اضطراب	۰/۹۱		
ناامیدی	۰/۹۳		

جدول شماره ۵. شاخص جهت‌گیری اجتماعی (سازه مرتبه دوم)

سازه مرتبه اول	بار عاملی	مقدار ویژه	نسبت واریانس تعیین شده
مثبت‌گرایی	۰/۷۳	۲/۱۰	۷۰/۱
نوگرایی	۰/۸۹		
انعطاف‌گرایی	۰/۸۸		

مقدار $KMO = ۰/۶۵$ ، سطح معنادار آزمون کرویت بارتلست = $۰/۰۰۰$

براساس یافته‌ها، $۸۳/۶$ درصد از کل واریانس متغیرهای روانی با عامل روحیات روانی و $۷۰/۱$ درصد متغیرهای اجتماعی با شاخص جهت‌گیری اجتماعی توضیح داده می‌شود. در هر دو شاخص همبستگی سازه‌های مرتبه اول با تنها عامل ایجاد شده قوی می‌باشد.

شاخص روحیات روانی

این شاخص از ۲۳ گویه به وجود آمده است که نمره ۲۳ آن نشانه روحیات روانی مثبت و نمره ۱۱۵ بیان‌کننده روحیات روانی منفی می‌باشد. نمره‌های ۵۳-۲۳ روحیات منفی روانی کم، ۸۴-۵۴ روحیات منفی روانی متوسط و ۱۱۵-۸۵ روحیات روانی زیاد را به وجود می‌آورند.

جدول شماره ۶. توزیع فراوانی و نسبی روحیات منفی روانی

روحیات منفی روانی	فراوانی	درصد
کم	۲۷۵	۳۹/۰
متوسط	۳۲۷	۴۶/۴
زیاد	۱۰۳	۱۶/۴
جمع	۷۰۵	۱۰۰

میانگین $۶۱/۷$ ، میانه ۶۰، نما ۵۹

این توزیع نشان می‌دهد که اکثر جمعیت پاسخگو دارای روحیات منفی روانی متوسط و زیاد می‌باشند. میانگین این شاخص نزدیک به متوسط و میانه و نما تقریباً منطبق بر آن

شاخص جهت‌گیری اجتماعی

این شاخص از ۳۸ گویه ایجاد شده است که نمره ۱۹۰ آن نشان دهنده جهت‌گیریهای مثبت اجتماعی مثل انعطاف‌گرایی، نوگرایی، مثبت‌گرایی و نمره ۳۸ حاکی از خلاف آن است. نمره‌های ۳۸-۸۷ جهت‌گیری مثبت اجتماعی کم، ۱۴۰-۸۸ متوسط و ۱۹۰-۱۴۱ زیاد را به وجود می‌آورند.

جدول شماره ۷. توزیع فراوانی نسبی و جهت‌گیری مثبت اجتماعی

جهت‌گیری مثبت روانی	فراوانی	درصد
کم	۲۶	۳/۷
متوسط	۳۲۷	۵۳/۵
زیاد	۳۰۲	۴۲/۸
جمع	۷۰۵	۱۰۰

میانگین ۱۳۴، میانه ۱۳۶، نما ۱۳۷

یافته‌ها نشان می‌دهد که ۴ درصد از جمعیت نمونه گرفتار جهت‌گیریهای اجتماعی مثل اقتدارگرایی، مخالفت یا نوگرایی و انفعال‌گرایی می‌باشند، اما میانگین و میانه این شاخص بین مقدار متوسط جهت‌گیری اجتماعی مثبت قرار می‌گیرند، و نشان می‌دهد که نیمی از جمعیت نمونه دارای جهت‌گیری مثبت اجتماعی کمتر از متوسط و نیم دیگر دارای جهت‌گیری مثبت اجتماعی بیشتر از متوسط می‌باشند. آزمون نرمال بودن^۱ نشان داد که هر دو توزیع فوق نرمال می‌باشند.

بررسی روابط برخی از متغیرها

رابطه بین ابعاد پایگاه، پایگاه و ناسازگاری پایگاهی با روحیات روانی و جهت‌گیری

اجتماعی نشان می‌دهد که تمامی روابط معنادار هستند. با اضافه شدن بر تحصیلات، منزلت شغل، قدرت سازمانی و درآمد سرپرست خانواده روحیات منفی روانی کمتر و جهت‌گیری مثبت اجتماعی بیشتر می‌شود. بالا رفتن پایگاه و سپس ناسازگاری پایگاهی نیز همین روابط را نشان می‌دهد. در این میان رابطه ناسازگاری پایگاهی با متغیرهای وابسته و سپس با پایگاه آن از ابعاد آن بیشتر می‌باشد.

جدول شماره ۸: ضریب همبستگی پیرسون بین ابعاد پایگاه اجتماعی، پایگاه اجتماعی،

پایگاهی و متغیرهای وابسته

ناسازگاری

متغیرها	روحیات منفی روانی	جهت‌گیری مثبت اجتماعی
تحصیلات	-۰/۱۷	۰/۱۴
منزلت شغلی	-۰/۲۸	۰/۲۸
قدرت	-۰/۲۹	۰/۲۹
درآمد	-۰/۲۸	۰/۲۸
پایگاه اجتماعی	-۰/۳۳	۰/۳۳
ناسازگاری پایگاهی	-۰/۶۲	۰/۶۷

– روابط تمامی متغیرها در سطح $P = 0.0000$ معنادار می‌باشد.

– حجم نمونه برای تحصیلات، پایگاه و ناسازگاری پایگاهی ۷۰۴ و برای بقیه متغیرها ۷۰۵ می‌باشد.

برازش منحنی برای ناسازگاری پایگاهی و روحیات روانی و جهت‌گیری اجتماعی

با توجه به سؤال اصلی این بررسی و وجود رابطه معنادار بین ناسازگاری پایگاهی و متغیرهای وابسته، در این مرحله به منظور شناخت چگونگی نوع رابطه بین متغیر مستقل و وابسته، برازش منحنی صورت پذیرفت.

تخمین دقیق بهترین نوع رابطه بین متغیرها با برازش منحنی و استفاده از ضریب کاهش

نسبی خطا^۱ انجام می‌گیرد. بعد از برازش منحنی مشخص گردید که بهترین نوع رابطه بین ناسازگاری پایگاهی و متغیرهای وابسته سهمی درجه ۲ می‌باشد. گرچه میزان R^2 سهمی درجه ۳ از درجه ۲ بیشتر بود، اما از آنجا که در آنالیز واریانس مشخص شد که رابطه همگی متغیرها در این مدل بدون معناست این سهمی عملاً الگویی نامناسب تشخیص داده شد، و از آن صرف‌نظر گردید.

جدول شماره ۹. برازش منحنی برای روحیات روانی

b_3	b_2	b_1	b_0	f	مقدار f	R^2	مدل	متغیر وابسته
		-۵/۷	۳/۸	۰/۰۰۰	۴۴۱/۲۳	۰/۳۸	خطی	روحیات منفی روانی
		-۳/۶	-۱/۸	۰/۰۰۰	۴۶۱/۰	۰/۳۹	لگاریتمی	روحیات منفی روانی
	۴/۱	-۱۲/۳	۶/۰۵	۰/۰۰۰	۲۶۴/۹	۰/۴۳	سهمی درجه ۲	روحیات منفی روانی
۲/۸	-۳/۵	-۶/۳	۴/۷	۰/۰۰۰	۱۸۰/۱	۰/۴۴	سهمی درجه ۳	روحیات منفی روانی

جدول شماره ۱۰. آنالیز واریانس روحیات منفی روانی

		۰/۶۶	ضرب همبستگی چندگانه
		۰/۴۳	مجذور ضرب همبستگی
		۰/۴۲	مجذور ضرب تعدیل شده
		۲/۰	خطای معیار معادله
			متغیرهای وارد شده به معادله
	مقدار t	بتا	
	سطح معناداری t		
	۰/۰۰۰۰	-۱۳/۱	ناسازگاری پایگاهی
	۰/۰۰۰۰	۷/۳۸	مجذور ناسازگاری پایگاهی

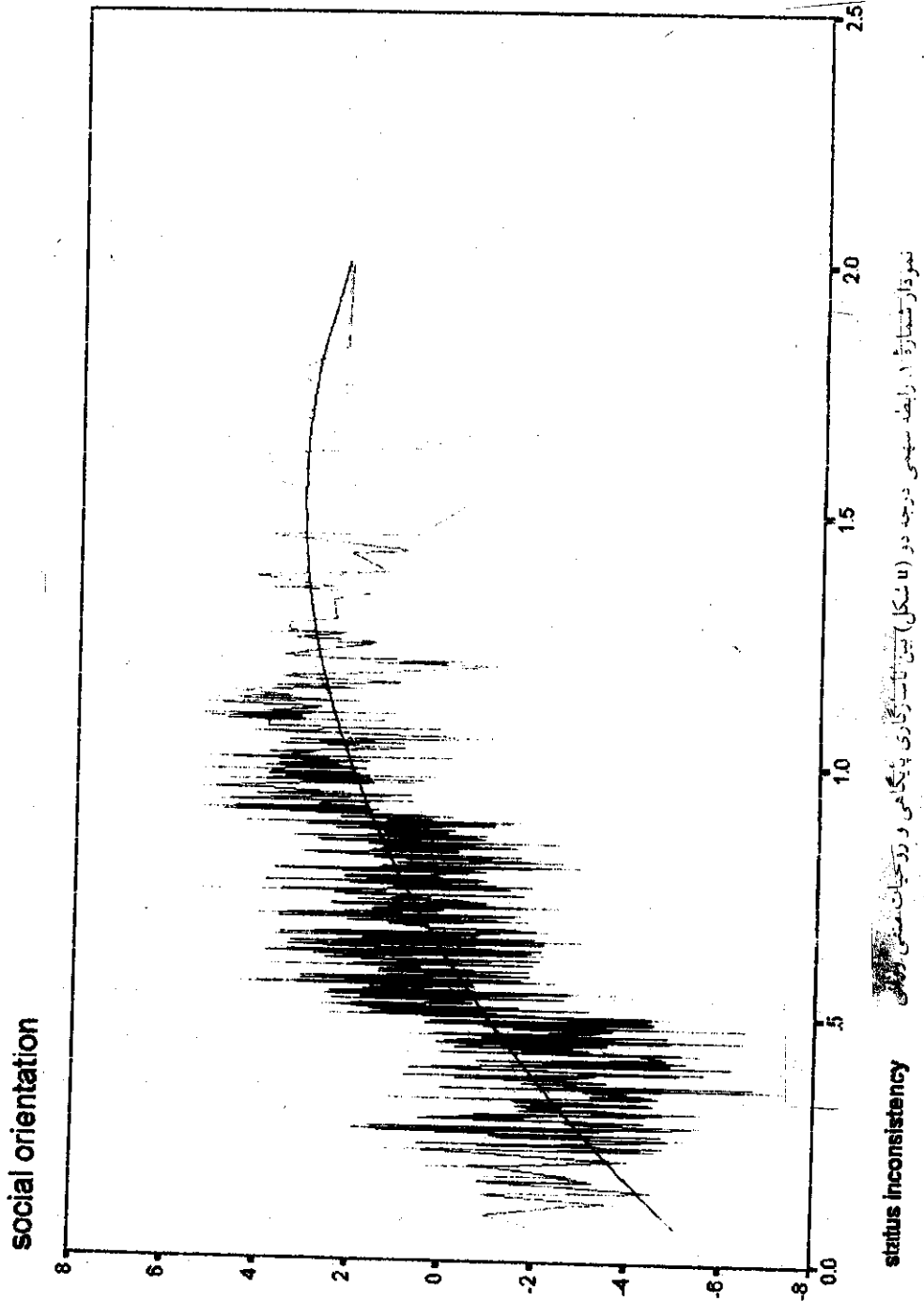
معادله تابع روحیات منفی روانی به صورت زیر است:

2 (ناسازگاری پایگاهی) $+ ۰/۷۵$ (ناسازگاری پایگاهی) $- ۱/۳ =$ روحیات منفی روانی
با افزایش ناسازگاری پایگاهی تا نقطه عطف منحنی روحیات منفی روانی به تدریج

کاهش می‌یابد ولی از آن نقطه به بعد با افزایش ناسازگاری پایگاهی روحیات منفی روانی افزایش می‌یابد. آنچنان که نمودار شماره ۱ نشان می‌دهد، منتهی الیه چپ منحنی، جایی که افراد دارای هماهنگی پایگاهی (ناسازگاری پایگاهی کم) می‌باشند (یعنی تفاوت چندانی بین داراییهای چهارگانه آنها در ابعاد قدرت سازمانی، منزلت اجتماعی، درآمد و تحصیلات وجود ندارد، اعم از اینکه در هر چهار بُعد حائز داراییهای زیاد و یا کم باشند)، روحیات منفی روانی آنها به طور محسوس بالا است. تفاوت دیگر در میان این دسته از افراد متوسط میزان افسردگی، اضطراب و ناامیدی است که به طور چشم‌گیری بالا است.

شاید این سؤال مطرح شود که ترکیب پایگاه اجتماعی این دسته افراد، یعنی کسانی که دارای ناسازگاری پایین هستند، چیست؟ یافته‌ها نشان می‌دهد که در میان این گروه، افراد از هر سه طبقه بالا، متوسط و پایین یافت می‌شوند. یعنی ۲۲ درصد در طبقات بالا و در این گروه قرار می‌گیرند، یعنی کسانی که روی چهار بُعد حائز دارایی بالا هستند. ۳۷/۵ درصد طبقه متوسط در این گروه قرار می‌گیرند و بالاخره ۳۷ درصد طبقه پایین نیز متعلق به گروه مزبور می‌باشند، یعنی افرادی که روی چهار بُعد حائز دارایی کم می‌باشند. از منظری دیگر می‌توان گفت که از میان کل افرادی که دارای ناسازگاری پایین هستند، با ترکیب ۲۰، ۳۶ و ۴۴ درصد مربوط به طبقات بالا، متوسط و پایین می‌باشند. این نسبتها با اندکی تفاوت روی افرادی که دارای ناسازگاری پایگاهی بالا می‌باشند، تقریباً معکوس است. یعنی حدود ۶۰ درصد این گروه (با ناسازگاری پایگاهی بالا) را طبقات بالا و به ترتیب ۱۸ و ۲۲ درصد بقیه را طبقات متوسط و پایین تشکیل می‌دهند. جدولهای توافق توزیع فراوانی ناسازگاری پایگاهی بر حسب هر یک از ابعاد چهارگانه داراییها این گمان را تقویت می‌کند که در میان چهار بُعد قدرت سازمانی، منزلت اجتماعی، درآمد و تحصیل، توزیعهای قدرت و درآمد بیشترین ناسازگاری بالا را موجب می‌شوند. در مقابل توزیعهای منزلت اجتماعی و قدرت مسؤلیت بیشتری را برای ایجاد ناسازگاری پایگاهی کم از خود نشان می‌دهند (جدولهای مزبور گزارش نشده‌اند). برای نمونه می‌توان در مورد بُعد قدرت به این واقعیت اشاره کرد که از میان کسانی که دارای قدرت کم می‌باشند ۳۵/۵ درصد دارای ناسازگاری پایگاهی کم می‌باشند و تنها ۷/۹ درصد دارای ناسازگاری پایگاهی زیاد هستند. در حالی که افرادی که دارای قدرت سازمانی زیاد می‌باشند، تنها ۵/۵ درصد دارای ناسازگاری پایگاهی کم و ۶۰ درصد این عده دارای ناسازگاری پایگاهی زیاد می‌باشند. داده‌ها و رابطه آن با بعد درآمد نشان می‌دهد که حدود نیمی (۵۰ درصد) از افرادی که دارای درآمد زیاد می‌باشند، در حال حاضر دچار ناسازگاری پایگاهی شدید می‌باشند.

ضمناً لازم است توجه شود که طبق نمودار شماره ۱، کسانی که میزان ناسازگاری پایگاهی آنها در حد متوسط است، میزان افسردگی، اضطراب و یأس در میان آنها در سطح بسیار نازلی است.



جدول شماره ۱۱. برازش منحنی برای جهت‌گیری مثبت اجتماعی

متغیر وابسته	مدل	R^2	مقدار f	سطح معناداری f	b_1	b_2	b_3
جهت‌گیری مثبت روانی	خطی	۰/۴۴	۵۶۸/۵	۰/۰۰۰	-۳/۷	۵/۶	
جهت‌گیری مثبت روانی	لگاریتمی	۰/۴۵	۵۸۱/۲	۰/۰۰۰	۱/۷	۳/۵	
جهت‌گیری مثبت روانی	سه‌می درجه ۲	۰/۵۰	۳۴۴/۲	۰/۰۰۰	-۵/۸	۱۱/۹	-۳/۹
جهت‌گیری مثبت روانی	سه‌می درجه ۳	۰/۵۰	۳۳۶/۰	۰/۰۰۰	-۴/۴	-۵/۴	۴/۳

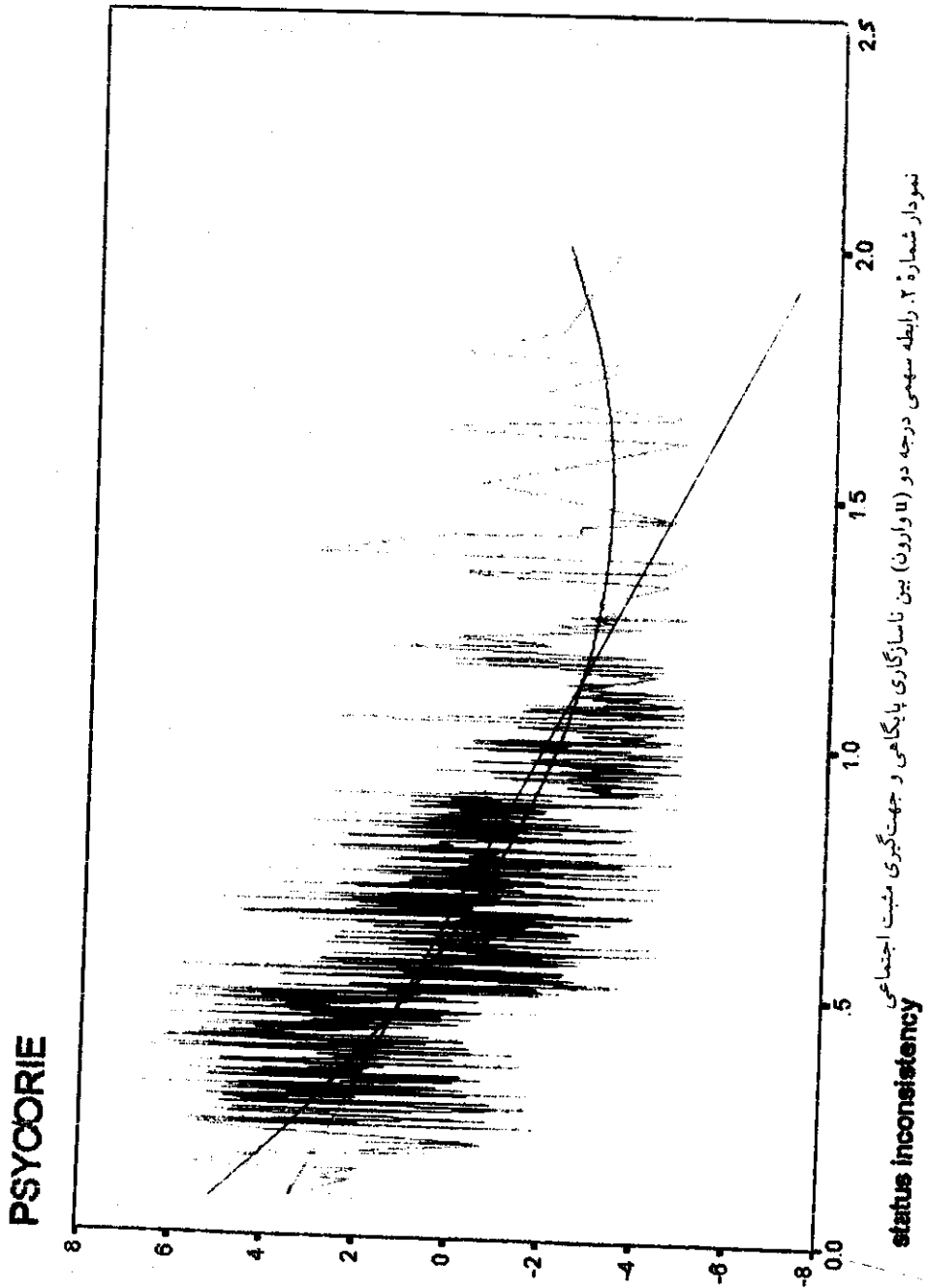
جدول شماره ۱۲. آنالیز واریانس جهت‌گیری مثبت اجتماعی

ضرب همبستگی چندگانه	۰/۷۰		
مجذور ضرب همبستگی	۰/۴۹		
مجذور ضرب تعدیل شده	۰/۴۹		
خطای معیار معادله	۱/۷		
متغیرهای وارد شده به معادله			
ناسازگاری پایگاهی	بتا	مقدار t	سطح معناداری t
	۱/۴	۱۴/۸	۰/۰۰۰۰
مجذور ناسازگاری پایگاهی	-۰/۷۸	-۸/۱	۰/۰۰۰۰

معادله تابع جهت‌گیری مثبت اجتماعی به صورت زیر در می‌آید:

2 (ناسازگاری پایگاهی) $- 0/78$ - (ناسازگاری پایگاهی) $1/4 =$ جهت‌گیری مثبت اجتماعی
با افزایش ناسازگاری پایگاهی تا نقطه عطف منحنی (نمودار شماره ۲) جهت‌گیری مثبت اجتماعی افزایش می‌یابد، لکن از آن به بعد با افزایش بیشتر ناسازگاری پایگاهی جهت‌گیری مثبت اجتماعی به تدریج کاهش می‌یابد. نمودار شماره ۲ این رابطه را با وضوح بیشتری نشان می‌دهد. قسمت چپ این نمودار نشان می‌دهد که افرادی دارای ناسازگاری پایگاهی قلیل (ناچیز)، کم و بیش فاقد جهت‌گیری مثبت اجتماعی می‌باشند. یعنی در میان این دسته از افراد جزم اندیشی، اقتدارگرایی و میل به سکون رایج است.

در مقابل آن دسته از پاسخگویان که دارای درجات متوسطی از ناسازگاری پایگاهی می‌باشند، عمدتاً نوگرا و دارای انعطاف فکری می‌باشند. البته همچنان که اشاره شد، این جهت‌گیری مثبت اجتماعی در کرانه مثبت توزیع متغیر ناسازگاری پایگاهی (یعنی مقادیر زیاد) کاهش می‌یابد.



بررسی مشارکت نسبی و همزمان متغیرها به روش رگرسیون

از آنجا که اکثریت متغیرها در این بررسی از نوع فاصله‌ای بودند، الگوی رگرسیون چند متغیره، مناسبترین الگو برای تعیین میزان تأثیرگذاری متغیرهای مستقل بر وابسته تشخیص داده شد. الگوهای رگرسیونی برای برخی از روابط غیرخطی مثل سهمی نیز کاربرد دارند. در سهمی درجه ۲، غیرخطی بودن رابطه تنها به متغیر مستقل مربوط و مقدار b, a به همان صورت خطی ظاهر می‌شود (ووناکات ۱۳۶۷، ص ۵۳۹) در نتیجه می‌توان تحلیل رگرسیونی را در مورد آن نیز به کار گرفت.

برای پیش‌بینی تغییرات متغیرهای وابسته، در مجموعه متغیرهای وارد شده در معادله موفق به دریافت پاسخ* ۴۸ درصد تغییرات روحیات منفی روانی و ۵۶ درصد از تغییرات جهت‌گیری مثبت اجتماعی شدید. در محدوده سطح معناداری روش قدم به قدم (۰.۵٪) تنها با متغیرهای ناسازگاری پایگاهی و مجذور آن، پایگاه اجتماعی، تأهل، تأمین درآمد از شغل اصلی از عهده پیش‌بینی روحیات منفی برآمدیم. آگاهی از جهت‌گیری مثبت اجتماعی با ناسازگاری پایگاهی و مجذور آن، پایگاه اجتماعی، تأمین درآمد از شغل اصلی، حوزه فعالیت اقتصادی و موقعیت اجتماعی والد (پدر بزرگ) توضیح میسر شد.

* این متغیرها عبارت بودند از: سن، جنس، وضعیت تأهل، حوزه فعالیت شغلی، امکانات فرهنگی خانواده، تأمین درآمد از شغل اصلی، موقعیت اجتماعی والد (پدر بزرگ خانواده)، پایگاه اجتماعی، مجذور ناسازگاری پایگاهی.

جدول شماره ۱۳. مشارکت نسبی متغیرهای مستقل بر روحیات منفی روانی

مقدار بتا	سطح معناداری بتا	متغیرها به ترتیب ورود به معادله
-۱/۳۰	۰/۰۰۰۰	ناسازگاری پایگاهی
۰/۷۶	۰/۰۰۰۰	مجذور ناسازگاری پایگاهی
-۰/۱۳	۰/۰۰۰۹	پایگاه اجتماعی
-۰/۱۰	۰/۰۴	متأهل
-۰/۱۰	۰/۰۴	تأمین درآمد از شغل اصلی
۰/۶۹		ضریب همبستگی چندگانه
۰/۴۸		مجذور ضریب همبستگی چندگانه
۰/۴۶		مجذور ضریب تعدیل شده
۲/۱		خطای معیار
۰/۰۰۰۰		سطح معناداری F

جدول شماره ۱۴. مشارکت نسبی متغیرهای مستقل بر جهت‌گیری مثبت اجتماعی

مقدار بتا	سطح معناداری بتا	متغیرها به ترتیب ورود به معادله
۱/۲۱	۰/۰۰۰۰	ناسازگاری پایگاهی
-۰/۶۲	۰/۰۰۰۳	مجذور ناسازگاری پایگاهی
۰/۲۱	۰/۰۰۰۰	پایگاه اجتماعی
-۰/۱۶	۰/۰۰۱	حوزه فعالیت اقتصادی
۰/۱۰	۰/۰۲	تأمین درآمد از شغل اصلی
-۰/۱۰	۰/۰۴	موقعیت اجتماعی والد
۰/۷۴		ضریب همبستگی چندگانه
۰/۵۶		مجذور همبستگی چندگانه
۰/۵۴		مجذور ضریب تعدیل شده
۱/۷۴		خطای معیار
۰/۰۰۰۰		سطح معناداری F

تابع روحيات منفي رواني

$$\begin{aligned} &^2(\text{ناسازگاري پاينگاهي}) + 0/76(\text{ناسازگاري پاينگاهي}) - 1/3 = \text{روحيات منفي رواني} \\ &(\text{متاهل}) - 0/10 - (\text{تامين درآمد از شغل اصلي}) - 0/10 - (\text{پاينگاه اجتماعي}) - 0/13 \end{aligned}$$

تابع جهت‌گيري مثبت اجتماعي

$$\begin{aligned} &^2(\text{ناسازگاري پاينگاهي}) - 0/62(\text{ناسازگاري پاينگاهي}) = \text{جهت‌گيري مثبت اجتماعي} \\ &(\text{حوزه فعاليت اقتصادي}) - 0/16 - (\text{پاينگاه اجتماعي}) + 0/21 \\ &(\text{موقعيت اجتماعي والد}) - 0/10 - (\text{تامين درآمد از شغل اصلي}) + 0/1 \end{aligned}$$

بدین ترتیب ناسازگاری پایگاهی و پایگاه اجتماعی، تأهل در مقابل طلاق و جدایی و تأمین درآمد از شغل اصلی میزان روحيات منفي را در خانواده کاهش می‌دهند و تنها مجذور ناسازگاری پایگاهی یا ادامه ناسازگاری از نقطه مینیمم، سبب افزایش آن می‌شود. همچنین ناسازگاری پایگاهی، پایگاه اجتماعی و تأمین درآمد از شغل اصلی همگی جهت‌گیرهای مثبت اجتماعی را افزایش می‌دهند و در مقابل کار کردن در بخش اقتصادی به نسبت فعالیت در بخش اجتماعی، ناسازگاری پایگاهی زیاد و موقعیت اجتماعی بالاتر پدربزرگ خانواده این جهت‌گیرها را کاهش می‌دهند. اما نکته تأمل برانگیز این است که در هر تابع نخستین متغیری که از بین مجموعه متغیرها وارد معادله می‌شود، ناسازگاری پایگاهی است که در این صورت این متغیر بهتر از سایر متغیرها ما را به توضیح متغیرهای وابسته یاری می‌دهد.

نتیجه

بر طبق یافته‌های این تحقیق گرچه افراد دارای روحیات منفی روانی (افسردگی، اضطراب و یأس) و جهت‌گیری منفی اجتماعی (منفی‌گرایی، اقتدارگرایی، مخالفت یا نوگرایی) نسبت کمتری را در جمعیت نمونه به خود اختصاص می‌دهند، اما میانه این شاخصها نشان می‌دهد که تقریباً نیمی از جمعیت نمونه دارای این روحیات و جهت‌گیریها و نیم دیگر فاقد آن می‌باشند. همچنین این بررسی نشان داد که تقریباً ۷۰ درصد از جمعیت نمونه همانند سایر جوامع، ناسازگاری پایگاهی متوسط و زیاد را تجربه می‌کنند.

با توجه به عمومیت ناسازگاری پایگاهی در مرحله بعد رابطه بین میزانهای مختلف این متغیر با روحیات روانی و جهت‌گیریهای اجتماعی بررسی شد. این رابطه نشان داد که همراه با پایگاه اجتماعی، ناسازگاری پایگاهی، روحیات منفی روانی را در خانواده‌ها کاهش می‌دهد و بر جهت‌گیری اجتماعی مثبت آنان می‌افزاید. در برازش منحنی مشخص گردید که گرچه ناسازگاری پایگاهی با متغیرهای وابسته دارای رابطه است اما تنها مقدار متوسط ناسازگاری پایگاهی به روحیات روانی و جهت‌گیریهای اجتماعی مثبت می‌انجامد و مقادیر کم و یا زیاد آن به عکس سبب روحیات روانی و جهت‌گیریهای اجتماعی منفی می‌شود. بدین ترتیب مشاهده شد که رابطه بین ناسازگاری پایگاهی و متغیرهای وابسته ۱۱ شکل می‌باشد و الگوی سهمی بهتر از الگوی خطی به ما کمک می‌کند تا از عهده توضیح تغییرات متغیر وابسته برآییم. این شکل از رابطه تاکنون در هیچ یک از مطالعات قبلی مورد آزمون قرار نگرفته و تنها در بعضی از آنها به اشکال ویژه‌ای از ناسازگاری اشاره شده است. الگوی رگرسیونی نیز نشان داد که در کنار مجموعه‌ای از متغیرهای زمینه‌ای و پیشینه‌ای، ناسازگاری پایگاهی در مرحله اول و پایگاه اجتماعی به دنبال آن بهترین مبین روحیات روانی و جهت‌گیریهای اجتماعی می‌باشند. بعد از این متغیرها، تأمین درآمد از شغل اصلی، تأهل در مقابل جدایی و طلاق، فعالیت در بخش اقتصادی در مقابل بخش اجتماعی و موقعیت اجتماعی والد هر کدام به اندازه ضرایب خود بر تغییرات متغیرهای وابسته مؤثر واقع می‌شوند.

در بعد نظری می‌توان حداقل چنین ادعا کرد که یافته‌های این پژوهش هیچ کدام در جهت نقض چارچوب نظری تحقیق (نظریه قشریندی چلبی ۱۳۷۵) ظاهر نشدند. به عکس، یافته‌ها یکی از پیش‌بینیهای نظریه مزبور را دال بر اینکه ناسازگاری پایگاهی اثر سهمی درجه دو روی

خلقیات روانی اجتماعی دارد، تأیید کردند.
در بعد عملی، شاید بتوان چند تجویز کلی را حداقل به صورت مشروط، از یافته‌های این بررسی استنتاج کرد:

یکم، تعدیل در توزیع ثروت و درآمد.
دوم، تعدیل در توزیع قدرت.
سوم، تقویت و حفاظت از حرمت و کرامت انسانی در جامعه (در زمینه بعد منزلت اجتماعی).
چهارم، بسط و گسترش آموزش رسمی.
پنجم، ترویج و تقویت شایسته سالاری.
ششم، صنعتی شدن به عنوان پیش نیاز شایسته سالاری و تفکیک اجتماعی بیشتر.

مآخذ

- تامين، ملوین (۱۳۷۳)، جامعه شناسی قشریندی و نابرابری های اجتماعی، ترجمه عبدالحسین نیکگهر، نشر توتیا، تهران.
- چلبی، مسعود (۱۳۷۵)، جامعه شناسی نظم، نشرنی، تهران.
- کلمن، جیمز (۱۳۷۷)، بنیادهای نظریه اجتماعی، ترجمه منوچهر صبوری، نشرنی، تهران.
- ووناکات، تامس اچ؛ ووناکات، رانلدجی (۱۳۶۷)، آمار مقدماتی، جلد دوم، ترجمه محمدرضا مشکاتی، مرکز نشر دانشگاهی، تهران.
- Berger, J. Norman, R.Z. Blackwell, J. Smith, R.F. (1992) "Status Inconsistency in Task Situations: A Test of Four Status Processing Principles", *American Sociological Review*, 276, Dec: 843-855.
- Brown, Wagne C., Cretser, Gary A., Lasswell, Thomas E. (1988) "Measuring Status Inconsistency, More Trouble Than Its Worth?", *Sociological Perspectives*, Vol. 31, No. 2, April: 213-237.
- Bacharach, Samuel, et al. (1993) "Status Inconsistency in Organization: From Social Hierarchy to Stress", *Journal of Organization Behavior*, Vol. 14: 21-36.
- Bacharch, Samuel, et al. (1992) "Alternative Approaches to the Examination of Demography in Organization", *Research in the Sociology of Organization*, Vol. 10:85-111.
- Bourdieu, Pierre, (1994) *Distinction: A Social Critique of the Judgement of Taste*, translated by Richard Nice. London: Routledge.
- De-Graaf, NonDirk, (1991) "Distinction by Consumption in Czechaslovakia, Hungary, and the Netherlands", *European Sociological Review*, Vol. 1, No. 3, Dec: 267-290.
- Dressler, W.W. (1988) "Social Consistency and Psychological Distress",

Journal of Health and Social Behavior, 29,1, Mar: 79-91.

- Hornung, Carlton A. (1977) "Social Status, Status Inconsistency and Psychological Stress". *American Sociological Review*, Vol. 42, Aug: 623-638.
- Hornung, Carlton A. (1980) "Status Inconsistency, Achievement Motivation and Psychological Stress", *Social Science Research*, Vol. 9, No. 4, Dec: 362-380.
- House, James, S. and Harkin, Elizabeth B. (1975) "Why and when is Status Inconsistency Stressful", *American Journal of Sociology*, Vol. 81, Sep: 345-412.
- Hope, Kieth (1975), "Models of Status Inconsistency and Social Mobility Effects", *American Sociological Review*; Vol. 40, June: 322-343.
- Kline, Paul, (1994) *An Easy Guide to Factor Analysis*, London and New York: Routledge.
- Kohn, Melvin, et al. (1997) "Social Structure and Personality under Conditions of Radical Social Change: A Comparative Analysis of Poland and Ukraine", *American Sociological Review*, Vol. 62, Aug: 614-638.
- Krueger, Paul E. (1982) "Status Inconsistent Entrepreneurs and Robert Merton Innovation", *Great Plains Sociologist*, Vol. 1: 1-9.
- Shrum, Wesley, (1990) "Status Inconsistency among Boundary Spanners: Structure, Exchange and Conflict", *American Sociological Review*, 55, 4, Aug: 496-511.
- Slomczynski, Kazimier (1989) "Effect of Status Inconsistency in the Intellectual Process: The United States, Japan, and Poland", in *Cross National Research in Sociology*, edited by Melvin Kohn, London: Sage, pp. 148-160.